

جنگ ماهه‌ها به درازا کشید. سرانجام تا پیروزی لشکر تنها چند ضربه شمشیر دیگر نیاز بود، که به دستور معاویه، قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها کردند و کتاب خدا را بازپچه دنیا پرستی و قدرت طلبی خود قراد دادند. در نتیجه این دسیسه، در سپاه امیرالمؤمنین دو دستگی افتاد و چشم‌های طاهرین و نیز بازوان خسته از جنگ، شمشیرها را زمین گذاشتند و امام را به پذیرش حکمتی وادار کردند. دیری نپایید که بزرگی و جبران ناپذیری این اشتباه برای همگان به اثبات رسید. از این رو، به سختی ابراز پشیمانی کرده و حتی بعضی از امیر المؤمنین (علیه‌السلام)خواسند تا پیمانی را که به اصرار آنان بسته بود، بشکنند و جنگ را بی‌محابا آغاز کند، ولی برخی نیز به بهانه‌های مختلف، خود حضرت

ناتوانی شدید عثمان در حاکمیت، تبعیض‌ها، قومیت گرایی‌ها، بخشش‌های بی حساب و کتاب از بیت المال و ده‌ها مشکل دیگر، سبب شد تا جبهه‌ای معترض و عدالت‌خواه از مردم مدینه در برابر او صف آرایی کنند. عثمان به تحریک شماری از عناصر سودجو و فرصت طلب، مانند طلحه، زبیر و عمرو عاص کشته شد و خلافت به امام علی رسید. امام (علیه‌السلام) با وجود این که او را حاکمی عادل نمی‌دانست، ولی از فتنه قتل او نیز ناخشنود بود؛ زیرا می‌دانست این آشوب، آشوب‌های دیگری در پی خواهد داشت.

نشان دادن موضعی شفاف از سوی امام، بهانه‌ای برای عناصر سودجو شد تا آن را بهانه‌ای برای قدرت‌طلبی خود قرار دهند. امام علی (علیه‌السلام) حکومت خود را با عدالت

پیش می‌برد و آنان که به زراندوزی‌های زمان عثمان خو کرده بودند و همانانی که مردم را به قتل او تشویق می‌کردند، پس از مدتی که اوضاع را به فراخور حال خود ندیدند، پیراهن خونین عثمان را دستاویز مقاصد پلید خود ساختند، و در بصره به اخلاخ گری و آشوب طلبی دست زدند. امام علی (علیه‌السلام) فرزند بزرگ خود امام حسن (علیه‌السلام) را برای جلب مشارکت مردم در ستیزی با پیمان‌شکنان به کوفه فرستاد.

برخی از مردم وقتی او را دیدند که می‌خواهد برای آنان سخنرانی کند، زیر لب می‌گفتند: «خدایا! زبان زاده دختر پیامبرمان را گویا گردان». امام مجتبی به سبب بیماری‌ای که داشت، به ستونی تکیه کرد و سخنان بسیار شیوا و رسایی ایراد کرد. او پس از سیاس و ستایش خداوند، به بیان مناقب پدر بزرگوارش پرداخت و سخنرانی گیرا و رسایی ایراد فرمود.

مردم پس از شنیدن سخنان امام مجتبی (علیه‌السلام) آمادگی خود را برای شرکت در جنگ و یاری امام علی (علیه‌السلام) اعلام کردند و امام مجتبی توانست سپاه انبوهی را برای جنگ در رکاب امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) گرد آورد.

- شرکت در جنگ جمل**

همان گونه که گفته شد، امام مجتبی (علیه‌السلام) در جنگ جمل حضوری چشم گیر و شجاعانه داشت. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) ایشان را بر میمنه (سمت راست) سپاه گماشت و ضربه نهایی را ایشان با نحر کردن شتر عایشه به انجام رسانید و جنگ را به سود امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)پایان داد.

- سببج مردم برای شرکت در جنگ صفین**

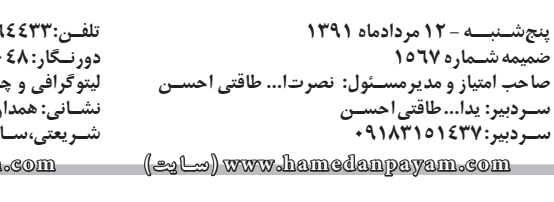
آتش جنگ جمل فروکش نکرده بود که زمزمه هایی ناآشنا در برپایی فتنه خونین دیگری از آن سوی مرزها به گوش رسید. معاویه و همدستانش سرگرم تجهیز سپاه و جمع آوری نیرو برای جنگ با امام علی (علیه‌السلام) بودند. خبر به امیرالمؤمنین رسید. امام علی فرزندنش امام مجتبی (علیه‌السلام) را مامور کرد تا برای مردم سخنرانی کند و آنان را برای دفاع در برابر مهاجمان زیرپرست و زورمرد تشویق کند. امام مجتبی (علیه‌السلام) در حضور پدر، سخنان رسا و شیوایی بیان نمود و این گونه مردم را به جنگ با معاویه تشویق کرد. سخنرانی گرم و آتشین امام مجتبی شوری در دل‌ها افکند و مردم را برای نبرد آماده ساخت.

- شرکت در جنگ صفین و فرماندهی نظامی**

امام مجتبی (علیه‌السلام)در جنگ صفین نیز از سوی امیرالمؤمنین دستور یافت که سمت فرماندهی میمنه لشکر را بر عهده گیرد. امام مجتبی (علیه‌السلام) در رکاب پدر، دلاورانه شمشیر می‌زد و حمله می‌کرد. وقتی علی (علیه‌السلام) رزم او را دید که چگونه به قلب دشمن حمله‌ور می‌شود، برای محافظت از جان او و برادرش حسین (علیه‌السلام)، دستور داد تا آنان را به عقب برگردانند.

سخت گوی امام علی(علیه‌السلام) در ماجرای حکمت

جنگ صفین طولانی شده بود. امام علی (علیه‌السلام) دست از حقیقت بر نمی‌داشت و معاویه بر سخن باطل خود پای می‌فشرد. جنگ، جنگ حق و باطل بود و هر دو در شمار خود سرسختی نشان می‌دادند؛ تا آن جا که نوشته‌اند: این



جنگ ماهه‌ها به درازا کشید. سرانجام تا پیروزی لشکر تنها چند ضربه شمشیر دیگر نیاز بود، که به دستور معاویه، قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها کردند و کتاب خدا را بازپچه دنیا پرستی و قدرت طلبی خود قراد دادند. در نتیجه این دسیسه، در سپاه امیرالمؤمنین دو دستگی افتاد و چشم‌های طاهرین و نیز بازوان خسته از جنگ، شمشیرها را زمین گذاشتند و امام را به پذیرش حکمتی وادار کردند. دیری نپایید که بزرگی و جبران ناپذیری این اشتباه برای همگان به اثبات رسید. از این رو، به سختی ابراز پشیمانی کرده و حتی بعضی از امیر المؤمنین (علیه‌السلام)خواسند تا پیمانی را که به اصرار آنان بسته بود، بشکنند و جنگ را بی‌محابا آغاز کند، ولی برخی نیز به بهانه‌های مختلف، خود حضرت



را در این جریان مقصر دانستند. بیم آن می‌رفت که آشوب گری از سرگرفته شود و قاجعه دیگری به وقوع بپیوندد. در این جا، لازم بود تا چهره‌ای که برای همگان مورد پذیرش و احترام است، میانجی‌گری کند و آشوب را پایان بخشد. به همین منظور، امام علی فرزند بزرگش حسن (علیه‌السلام) را که چهره‌ای پذیرفته شده بود، مأمور کرد تا از طرف ایشان مسأله را روشن و مشکل را حل کند. او باید نخست با دلایل قانع کننده، حکمی را که ابوموسی اشعری صادر کرده بود، لغو می‌کرد و نیز برای جلوگیری از فتنه‌های مخالفان، مشروعیت کاری به عنوان حکمتی را نیز می‌پذیرفت.

این کار در آن موقعیت حساس که بیش‌تر حاضران جزو مخالفان بودند، بسیار دشوار می‌نمود و کسی جز امام مجتبی (علیه‌السلام)در میان هواداران علی (علیه‌السلام) توان انجام چنین مسؤولیتی را نداشت. امام مجتبی درآن جمع این گونه فرمود: «ای مردم! بی گمان شما درباره این دو مرد [عمرو عاص و ابوموسی ازباده سخن گفتید و آنها را برگزیدید تا با کتاب خدا حکم کنند؛ نه از روی هوای نفس‌شان. ولی آن‌ها با هوای نفس خویش حکم کردند؛ نه با کتاب خدا و کسی که چنین کند، حکم نیست، بلکه محکوم است. عبدالله بن قیس (ابوموسی) که عبدالله بن عمر را خلیفه قرار داد، سه اشتباه کرد: اول با نظر پدر او (عمر) مخالفت کرد؛ زیرا عمر به خلیفه قرار دادن وی راضی نبود. حتی او را از اعضای شورای شورا نیز فره نیز قرار نداده بود؛ دوم با خود عبدالله بن عمر دراین باره مشورت نکرده بود؛ و سوم مهاجرین و انصار که پایه‌های حکومت اسلام را منعقد کرده‌اند و نظر آن‌ها مورد پذیرش مردم است، نظری در این باره نداده‌اند و (این حکم تنها از آن این دو نفر است). ولی اصل مسأله حکمتیت و مشروعیتش پذیرفته است و رسول خدا (صلی...علیه‌واله) نیز سعد بن معاذ را در جریان بنی قریظه حکم قرار داد و او نیز آن چه را که مورد رضای خدا بود، حکم کرد. بی تردید اگر او مخالفت می‌کرد، رسول خدا (صلی...علیه‌واله) نیز رضایت نمی‌داد». سخنان شیوای امام، که جایگاه علمی و سیاسی

امام حسن (علیه‌السلام) را برای همگان آشکار می‌ساخت، مسأله را کاملاً روشن نمود، هر چند که دشمن هیچ گاه دست از فتنه گری برنمی‌داشت.

- مشاور سیاسی و جانشین امیر المؤمنین علی (علیه‌السلام)**

با بررسی جریان‌های تاریخی عصر امام علی (علیه‌السلام)، روشن می‌شود که امام حسن (علیه‌السلام)، در تمامی تصمیم‌گیری‌های امام علی و برنامه ریزی‌های او نقش مهم و تعیین کننده‌ای داشته است؛ زیرا امام علی همواره در حل مسائل با امام حسن مشورت می‌کرد. همین مسأله، توانایی والای امام مجتبی را به اثبات می‌رساند؛ چه اگر فردی داناتر و تواناتر از او در میان هواداران امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

به شایستگی به پرسش‌های او پاسخ داد. سپس درباره این پرسش مرد شامی که کدام ده چیز است که بر یکدیگر غلبه دارد، فرمود: «سنگ را خدا محکم آفرید، ولی آهن از آن محکم‌تر است و آن را قطعه قطعه می‌کند. مقاومت‌ر از آهن، آتش است که آهن را ذوب می‌کند. قوی‌تر از آتش، آب است که آن را خاموش می‌سازد و چیره‌تر از آب، ابر است که آب را به صورت باران جابه جا می‌کند . قوی‌تر از ابر، باد است که آن را انتقال می‌دهد و پیروتر از باد، فرشتگانند که به آن دستور جابه جایی می‌دهند. نیرومندتر از فرشتگان «عزرائیل» است که آن‌ها را می‌میراند و نیرومندتر از عزرائیل، مرگ است که او را نیز می‌میراند و از همه اینها قویتر و بالاتر، فرمان خداوند بزرگ است که مرگ را نیز می‌میراند و خود همواره می‌ماند.»

مرد شامی که پاسخ تمامی پرسش‌های خود را گرفته بود، گفت: «شهادت می‌دهم که تو فرزند رسول خدایی (صلی...علیه‌واله)

و به حق علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) از معاویه سزوارتر بر خلافت و رهبری است». این گونه مطالب که نشانگر برتری علمی امام مجتبی (علیه‌السلام)است، در تاریخ فراوان است.

- امام جمعه موقت کوفه**

یکی از مسؤولیت‌های مهم فرهنگی امام مجتبی (علیه‌السلام)در دوران خلافت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) امامت جمعه بود. هر گاه امام علی (علیه‌السلام)کوفه را ترک می‌کرد و یا به دلیل عذری نمی‌توانست نماز جمعه را اقامه کند،این مهم را بر دوش فرزند بزرگشان می‌گذاشتند.

- قضاوت به جای امام علی (علیه‌السلام)**

از برجسته‌ترین جلوه‌های حکومت امام علی (علیه‌السلام)، عدالت و سخت‌گیری ایشان در اجرای آن و نیز دادرسی و گرفتن حق مظلوم از ظالم بود. چه بسا خلفای دیگر در بسیاری از مسائل قضایی، از حل آن‌ها باز می‌ماندند و امام علی (علیه‌السلام) آنان را کمک کرد و حتی خود ایشان نیز گاه این امر را به فرزند بزرگشان امام حسن (علیه‌السلام) می‌سپردند تا علم او را نیز به دیگران ثابت کند.

نوشته‌اند: در دوران خلافت حضرت علی (علیه‌السلام)، مردی را نزد او آوردند که او را در خرابه‌ای، کنار جسدی بی‌جان و خونین یافته بودند؛ در حالی که کاردی خونین نیز در دست داشت. جریان را به حضرت گفتند. امام فرمود: «چیزی برای گفتن داری؟» مرد پاسخ داد: «ایا امیرالمؤمنین! این اتهام را می‌پذیرم» علی (علیه‌السلام) دستور داد که او را برده، قصاص کنند. در این هنگام، مردی با عجله خود را رسانید، در حالی که فریاد می‌زد: «او را رها کنید!او را رها کنید! او کسی را نکشته و قاتل من هستم؟» امیرالمؤمنین از متهم پرسید: «چرا اتهام قتل به خود زدی در حالی که قاتل کسی دیگر است؟»

مرد پاسخ داد: «من در وضعی نبودم که بتوانم از خود دفاع کنم؛ زیرا چندین نفر مرا بالای سر جسد، با کارد خونین دیده بودند. من گوسفندی را کشته بودم و برای قضای حاجت به خرابه آمدم که دیدم آن مرد در خون خود می‌غلند. شگفت زده شدم و در حالی که کارد خونین در دستم بود، این چند نفر وارد خرابه شدند و مرا با آن وضع دیدند و پنداشتند که من او را کشته‌ام». علی (علیه‌السلام)متهم و قاتل را نزد فرزندش حسن (علیه‌السلام)فرستاد تا حکم را از او بخواهد. امام مجتبی پس از شنیدن صحبت‌های هر دو فرمود: «مرد قاتل که با راست گفتاری‌اش جان متهم را نجات داد، به استناد آیه کریمه «مَنْ أَحْيَاهَا فَكُلَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» رها کنید. او فردی را کشته و دیگری را از مرگ رهانده است. پس هر دو را آزاد کنید و دیه مقتول را از بیت المال بپردازید.»

مناقب
الکامل فی تاریخ ج ۲، ص ۱۶۸.
شرح نهج البلاغه ج ۳، ص ۲۹۲
محمد بن محمد بن النعمان الکامل للشیخ المفید الجمل، ص ۱۱۷.
اسد الغابۃ فی سیره الصحابه ج ۲، ص ۱۱۷.
ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۶۸.
حیات الامم والنم من علی (علیه‌السلام)، ص ۱.
مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۶۹.
حیات الامم والنم من علی (علیه‌السلام)، ص ۱.
مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۶۹.
شرح نهج البلاغه ج ۳، ص ۲۸۱.

پیام تاریخ، تمدن و فرهنگ مادستان



پیام آدینه ۱۶۸ ● سال چهارم ● تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

ضمیمه شماره ۱۵۶۷ همدان پیام ● صفحه ● رایگان

پنج‌شنبه ● ۱۲ مردادماه ۱۳۹۱ ● ۱۲ رمضان ۱۴۳۲ ● ۲۰ آگوست ۲۰۱۲



پیام آدینه این شماره به مناسبت روز جهانی حقوق بشر و سالگرد نهضت مشروطه و همچنین روز اطعام یتام و میلاد امام حسن مجتبی(ع) به هر یک از این موضوعات پرداخته است.

۱۰۶ سالگی یک نهضت



رستگاران ماه رمضان

همدان پیام: خدا را بی نهایت شاکریم که از خزانه موهبت و الطاف بیکران خود بر ما منت نهاد تا دگرباره بتوانیم این ماه پر برکت و پر فضیلت را درک نماییم؛ ماهی که خداوند متعال در شأن آن می فرماید: «شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی لناس و بینات من الهدی و الفرقان...» (رمضان ماهی است که در آن برای راهنمایی مردم و بیان راه روشن و هدایت و جدا ساختن حق از باطل ، قرآن نازل شده است).

و در ادامه آیه می فرماید: «فمن شهد منکم الشهر فلیصمه...» (پس هر که این ماه را دریابد، باید که در آن روزه بدارد). این قسمت از آیه نیز تأکید بر وجوب روزه، در این ماه دارد ولی با این وجود، مریضان و مسافران را (بر اساس احکامی که در شرع مقدس موجود است) از این امر عظیم مستثنا دانسته و روزه داری را از آنان ساقط می نماید و این امر واجب را در هنگام سلامتی و فراغت از سفر بر آنان واجب نموده تا کاستی های خود را جبران نمایند؛ «و من کان

منکم مریضاً او علی سفر فعدۀ من ايام اخر» (وهر کس که بیمار یا در سفر باشد به همان تعداد از روزه های دیگر روزه بگیرد).

و دلیل این امر را سهل و آسان گرفتن پرورگار بر بندگانش می خواند، به طوری که در ادامه آیه می فرماید: «یرید... یکم الیسر ولا یرید یکم العسر...» (خداوند برای شما آسانی و راحتی می خواهد و خواهان سختی برای شما نیست). و بندگان خویش را امر به تکمیل کسری روزه هایشان می نماید؛ «و لتکملوا العده...» (و باید که آن شمار (یعنی روزه هایی که به علت های ذکر شده نگرفته اید) را تکمیل کنید) و در ادامه می فرماید: «ولتکبروا...» علی ما هدیکم و لعلکم تتشکرون» (و خدا را بدان سبب که راهنمایی تان کرده است، به بزرگی یاد کنید و باشد که سیاستزار باشید).

ما باید این ماه را بیش از پیش قدر دانسته و از آن کمال استفاده را نماییم، چرا که این ماه ماه بسیار پر فضیلتی است و با ماه های دیگر قابل مقایسه نیست.

■ **دلیل نامیده شدن این ماه به عنوان ماه رمضان**

در این رابطه اشاره می نماییم به حدیثی از

رسول مکرم اسلام (ص) که فرمودند: «انما سُمیَ الرمضان لانه یرمض الذنوب» (رمضان بدین سبب رمضان نامیده شده است که گناهان را می سوزاند) با توجه به این حدیث درمی یابیم که در ماه مبارک رمضان، گناهان بندگان آمرزیده شده و توبه آنان پذیرفته می گردد، و مهم ترین دلیل نامیده شدن این ماه به عنوان ماه رمضان، به بیان رسول گرامی اسلام (ص) همانا آمرزیده شدن گناهان در این ماه است. حال شاید در اینجا سؤالی در ذهن تداعی گردد که مگر در ماه های دیگر، گناهان انسان آمرزیده نمی شود؟ که در پاسخ باید گفت بلی آمرزیده می شود ولی در ماه مبارک رمضان که ماه میهمانی خداوند است، به نحو افزون تر که غیر قابل وصف است توبه ها پذیرفته و گناهان آمرزیده می شود. چنانچه پیامبر اعظم (ص) در مورد ارزش و برتری این ماه فرمودند: «اگر بنده ارزش ماه (مبارک) رمضان را بداند، آرزو می کند که سراسر سال، رمضان باشد.»

این در حالی است که آن حضرت، آن قدر بر حرمت و ارزش این ماه تأکید می فرمودند که هر عاقلی باید در نگهداری حرمت این ماه کوشیده و کوتاهی نورزد، به طوری که پیامبر اعظم (ص) در حدیثی دیگر فرمودند: «لا تقولوا رمضان بان رمضان اسم من اسماء... تعالی و لکن قولوا شهر رمضان.» (نگویید رمضان، چون رمضان یکی از نام های خداوند متعال است، بلکه بگویید ماه رمضان.)

سعی کنیم تا توانیم از این ماه پر برکت غافل نشویم. هنگامی که روایات متعددی را که در شأن ماه مبارک رمضان وارد شده، بررسی نموده و در آن کمی تأمل نماییم، خواهیم دید که در این روایات تأکید بسیاری بر این امر شده است که بندگان باید سعی داشته باشند این ماه را با همان غفلتی که در ماه های گذشته به سر می برده اند، سپری نمایند، چرا که این ماه، ماهی است سرنوشت ساز که غفلت از آن موجب شقاوت و بدبختی انسان می گردد، چنانچه امام صادق (ع) در سفارشش به فرزندان در هنگام حلول ماه مبارک رمضان می فرمودند: «اجهدوا

رمضان نامی از نام های خدا

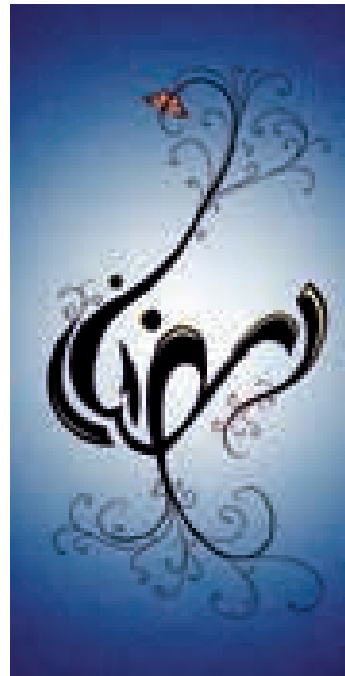
همدان پیام: رمضان اسمی از اسماء الهی می باشد و نباید آن را به تهیایی ذکر کرد مثلاً بگوییم رمضان آمد یا رفت، بلکه باید گفت ماه رمضان آمد، یعنی ماه را باید به اسم اضافه نمود. در این زمینه هشام بن سالم از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) نقل روایت می نماید و می گوید: ما هشت نفر از رجال در محضر حضرت ابی جعفر امام باقر (علیه السلام) بودیم، پس سخن از رمضان به میان آوردیم.

امام علیه السلام فرمود: نگویید این است رمضان و نگویید رمضان رفت و یا آمد زیرا رمضان نامی از اسماء... است که نمی رود و نمی آید که شی زائل و نابود شدنی می رود و می آید، بلکه بگویید ماه رمضان، پس ماه را اضافه کنید در تلفظ به اسم، که اسم، اسم... می باشد، و ماه رمضان ماهی است که قرآن در او نازل شده است و خداوند آن را «مثل» و «عید» قرار داده است همچنانکه پروردگار بزرگ، عیسی بن مریم (سلام... علیه) را برای بنی اسرائیل مثل قرار داده است، و از حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت شده که حضرت فرمود: شما به راستی نمی دانید که رمضان چیست (و چه فضایی در او نهفته است).

■ واژه رمضان و معنای اصطلاحی آن
رمضان از مصدر «رمض» به مفهوم شدت گرما و تابش آفتاب بر رمل... معنا شده است. انتخاب چنین واژه ای به راستی از دقت نظر و لطافت خاصی برخوردار است چرا که سخن از گناخته شدن است و شاید به تعبیری دگرگون شدن در زیر آفتاب گرم و سوزان نفس و تحمل ضربات بی آمانش، زیرا که رمضان ماه تحمل شدائد و عطش می باشد، عطشی ناشی از آفتاب سوزان یا گرمای شدید روزهای طولانی تابستان و عطش دیگر حاصل از نفس سرکنی که پیوسته می گازد و سوزش به راستی جبران ناپذیر است.

در مقایسه این دو سوزش، دقیقاً رابطه عکس برقرار است، بدین مفهوم که نفس سرکش با چشیدن آب، تشنه تر می گردد و هرگز به یک جرحه بسنده نمی کند و پیوسته آملی را در تلاش خستگی ناپذیر جهت ارضای تمایلات خود و می دارد.

منبع ۱- بحار الانوار، جلد ۶، ص ۲۴۶، طبع اسلامی ۲- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۷، طبع اسلامی



ی نوشت ما: ۱- آیه ۱۸۵ سوره بقره ۲- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۷، حدیث ۱۲ ۳- همان، ص ۲۴۶، حدیث ۱۲ ۴- کنز العمال، حدیث ۳۳۸۸ ۵- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۲، حدیث ۸ ۶- کنز العمال، ج ۳۳۴ ۷- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۵، حدیث ۲۲ ۸- امالی شیخ صدوق

اطعام ایتام برائت از آتش جهنم



عکس تزئینی است

تأمل در چرایی و چگونگی آن از سوی مردم در ادوار تاریخ و در میان ملل مختلف، با عنایت به سفارشات دینی، ضروری می نماید.

۱.بعد اجتماعی: در یک نگاه کلان، احیای سنت اطعام به عنوان یک حرکت نمادین همگانی و فراگیر، از همبستگی ملی میان اقشار جامعه حکایت دارد و در حقیقت نوعی حرکت در راستای پایبندی انسان به هویت اجتماعی، و تقویت روح اخوت و برادری است.

۲.بعد اقتصادی: تأثیر اساسی آن بر فروکاستن درد فقر و محرومیت از لایه های میان دست و فرودست جامعه - از خلال توجه فرادستان و صاحبان مکت مادی- اهمیت نقش و جایگاه آن را عینی تر می سازد.

۳.بعد معنوی: پاسداشت این سنت نیکو از سوی آحاد روزه داران - که به هیچ قیمت و لو به بهانه ناتوانی مالی نباید آنرا به حاشیه برانند - اجر و پاداشی عظیم در پیشگاه پروردگار دارد که می توان به آن حتی با اطعام دانه ای خرما و یا جرحه ای آب گوارا، دست یافت.

در این راستا، چند توصیه کلیدی ارائه می شود. - نشاندن اقشار محروم بر سر سفره افطار - که ابعاد سه گانه فوق را دربرداشته و بهترین نوع اطعام به شمار می آید- از پاداشی افزون برخوردار است. - خودداری از رنگین کردن سفره افطار، افزون بر برخورداری از روح سادگی و جلوگیری از ریخت و پاش، گامی در جهت گسترش کمی میهمانان و در نتیجه کسب اجر و مزد بیشتر است.

اطعام به دور از بوق و کرنا، و حتی به دور از چشم آشنایان، لذتی در بردارد که مطمئناً هیچ دعوتی دیگر به پای آن نخواهد رسید.

ترویج شود می توان شاهد حل و فصل بسیاری از مشکلات قشر کم بضاعت بود چراکه در این گونه اقدامات نظرات این قشر دریافت شده و نسبت به رفع مشکلاتشان اقدام می شود. بلکه در تمام روزهای سال این برنامه های انقلابی از سوی قشر غنی جامعه محسوب شود چراکه این یک وظیفه شرعی و قانونی به شمار می آید که باید در جامعه ترویج داده شود.

■ **تقویت روح همبستگی با احیای سنت اطعام**

این حرکت معنوی و در عین حال عاطفی، متن دین و توصیه بزرگان آن ریشه دارد. سفارش همراه با تأکید رهبران دینی بر اهتمام و پایبندی روزه داران مسلمان به این سنت پسندیده از سوی گویای ارزشمندی و تأثیرگذاری آن در تقویت روح نوع دوستی می باشد و از دیگر سو، حکایتگر پافشاری دین بر ضرورت تداوم ضعف ها و کاستی های موجود جامعه از درون آن و نگاه ریشه ای به درد مردم به ویژه اقشار کم در آمد و محروم است.

در سخنی از پیامبر گرامی اسلام (ص) به این جانب مهم پرداخته شده، آنجا که می فرماید: ای مردم! هر کس روزه دار مومن را در این ماه، میهمان افطار خویش کند، در نزد خدا، پاداش آزاد نمودن بنده ای و آموزش گناهان گذشته را دارد و آنگاه که ناتوانی بر خسی از لایه های جامعه برای اطعام دیگران به حضرتش گزارش می شود، آنان را به انجام این سنت و لو در حد میهمان کردن دیگران با یک دانه خرما و یا جرحه ای آب، تشویق و توصیه می فرماید و در مقابل به امت اسلامی وعده می فرماید که برائت از آتش جهنم، راورد این عمل خیر آنان باشد. البته سنت اطعام، ابعادی گوناگون در بردارد که

به ویژه توانگران را برای کمک رسانی موثر و پایدار برای مردم نیازمند تشویق کنند. رمضان فرصتی مناسب برای انجام کارهای خیر به عنوان باقیات صالحات است. نه تنها در ماه رمضان بلکه در تمام روزهای سال این برنامه های انقلابی تداوم باید تا روزی که نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان نیز محرومی باقی نماند.

■ **اطعام ایتام زمینه بررسی مشکلات قشر کم بضاعت است**

همچنین برگزاری طرح های اطعام ایتام توسط ادارات و مردم، زمینه مناسبی برای بررسی مشکلات و دغدغه های قشر کم بضاعت جامعه محسوب می شود. انجام واجبات دینی همانند روزه و قرائت قرآن در ماه رمضان جزو تاکیدات قرآن کریم است که باید تمام بزرگان اسلام و همچنین ائمه (ع) نسبت به انجام این وظیفه شرعی اقدام کرده اند و امروزه نیز این وظیفه بر عهده مسلمانان است که در جوامع خود با پهن کردن سفره های افطاری برای ایتام فاصله میان فقیر و غنی را از میان بردارند.

رسول گرامی اسلام (ص) تأکید ویژه ای به اطعام ایتام در ماه رمضان داشته تا جایی که بر این نکته تأکید می فرمودند که در صورت برخورداری از شرایط پذیرایی افضل از مستمندان و فقرا به یک حبه خرما نیز اکتفا کنند تا به این وسیله در ثواب روزه آن ها شریک شوند. در صورتی که اطعام ایتام در میان قشر قوی جامعه

همدان پیام: یکی از پسندیده ترین کارهایی که در ایام ماه مبارک رمضان از سوی مردم و خیرین بیشتر مورد توجه قرار می گیرد رسیدگی به ایتام و نیازمندان است.

و از سنت های نیکوی برگرفته از اسلام در بین مردم کشور ما فرهنگ میزبانی نیازمندان می شود. در این ماه مبارک انسان های مومن خداوند با پهن کردن سفره هایی نیازمندان را در روزی خانواده خود شریک می کنند به طوری که این عمل آنها حتی برای لحظه اندکی عرق شرمساری را از پیشانی والدین مستمند در مقابل فرزندان شان پاک می کند.

به گفته معاون مشارکت های مردمی کمیته امداد امام خمینی (ره) در ماه مبارک رمضان بیش از چهار میلیون و ۵۰۰ هزار مددجوی تحت پوشش اطعام می شوند.

هم اکنون یک میلیون و ۷۰۰ هزار خانواده نیازمند تحت پوشش کمیته امداد وجود دارد و مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام راحل به سه روش توزیع سید کالا، برپایی سفره های افطار و طبخ و توزیع غذای گرم اطعام می شوند.

اجرای این سنت حسنه در جامعه می تواند هرسال باشکوه تر از سال قبل برگزار شود، خوشبختانه عده زیادی از مردم میهن اسلامی مان به خاطر تعلیم دین در مکتب ناب محمدی و قرار گرفتن در مسیر ولایت فقیه برای برپایی اینگونه مراسم ها پیشواز هستند ولی برای اینکه سفره های اطعام سبب افزایش خیر و برکت الهی در جامعه شود باید بیش از پیش در این زمینه فرهنگ سازی شود.

در این ماه مبارک اغلب مردم با نشستن پای منبر به صحبت های گران قدر ائمه گوش می سپارند لذا ماه رمضان فرصتی مغتنم برای روحانیان است که مردم

